



اسلام و جهانی شدن تعامل یا تقابل؟

نویسنده: نکوئی سامانی، مهدی

ادیان و عرفان :: معرفت :: دی 1387 - شماره 133 (علمی-ترویجی)

از 61 تا 82

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/477430>

دانلود شده توسط : کتابخانه مرکز تحقیقات حج حوزه نمایندگی ولی فقیه

تاریخ دانلود : 1393/06/29 07:35:50

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.com

اسلام و جهانی شدن تعامل یا تقابل؟

مهدی نکونئی سامانی*

چکیده

هدف اصلی این نوشتار بررسی نسبت فرایند جهانی شدن با جهانی شدن اسلام و یافتن پاسخ این پرسش است که آیا اسلام با جهانی شدن، تقابل دارد و یا تعامل؟ و بر فرض تقابل این پدیده با فرهنگ اسلام، مسلمانان در مواجهه با فرایند جهانی شدن، چه راهبردها و راه‌کارهایی می‌توانند اتخاذ نمایند؟

نویسنده با رویکرد نظری و بررسی اسنادی و تحلیل داده‌ها و نقد و بررسی یافته‌های پژوهشی، به پرسش‌های فوق پاسخ داده و چنین معلوم داشته است که ماهیت جهانی شدن با جهانی سازی مترادف نیست. برای شناخت دقیق این پدیده، باید به همه ابعاد، عوامل و پیامدهای آن توجه داشت. جهانی شدن به لحاظ ماهیت، اهداف و مشخصه‌ها، و پیامدهایی که دارد با آموزه‌های اسلام در تعارض است. در پایان نیز راه‌کارهایی برای برون‌رفت جهان اسلام از چالش‌های این فرایند ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن، جهانی سازی، اسلام، تعامل، تقابل، ویژگی‌ها، راهبردها.

مقدمه

ملک لوهان و برخی دیگر از نویسندگان، که در زمینه جهانی شدن نظر دارند، به دو چشم‌انداز جهانی شدن توجه کرده‌اند:

۱. فرایند جهانی شدن از منظر روابط بین‌الملل و ارتباطات؛

۲. جهانی شدن از منظر نظریه نظام واحد جهانی.

آلوین تافلر (Alvin Toffler) نیز در کتاب موج سوم، جهانی را ترسیم کرده است که در آن ضرورت همراهی و سازگاری با فرایندهای ناشی از برخورد اسواج تاریخ آشکار می‌شود.^(۱)

آلدوس هاکسلی نیز در کتاب شگفت‌انگیز نو، فرایند جهانی شدن را به گونه‌ای ترسیم می‌کند که در آن انسان‌ها، در یک حکومت واحد جهانی، که با نظمی آهنین همه چیز را تحت کنترل و نظارت دارد، محصور می‌شوند و خودآگاهی و جهان‌آگاهی آنها با این تصویر تخیل‌گونه از جهان پیوند می‌خورد و انسان و جهان اندیشه و فرهنگ او دچار استحاله می‌شوند.^(۲)

یکی دیگر از کسانی که در زمینه جهانی شدن تحقیقات گسترده‌ای انجام داده اسانوتل والرشتاین، جامعه‌شناس آلمانی، است. وی معتقد است: «جهانی شدن فرایند شکل‌گیری شبکه‌هایی است که طی آن، اجتماعاتی که پیش از این در کره‌خاکی دور افتاده و منزوی بودند، در وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند.»^(۳)

وی با طرح نظریه «نظام جهانی» روابط بین‌المللی را به شکل نوعی همگرایی و یکپارچگی میان دولت‌ها ترسیم می‌کند. بر اساس تحلیل والرشتاین، وجود نظام جهانی به معنای پذیرش یک راهبرد مشترک و همگرایی از روی الزام و ضرورت است، نه از باب تعامل و تفاهم مشترک.^(۴)

«جهانی شدن» فرایندی است که در پی برخی تحولات جهانی و پیشرفت‌های علمی و فنی در حوزه ارتباطات و رسانه‌ها و تسهیل و تشدید روابط و تعاملات بین‌ملت‌ها در زمینه‌های گوناگون، ظهور و بروز پیدا کرده است. این جریان به صورت فراگیر در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع بشری را درگیر مسائل مشترک و فراگیر و چالش‌های گوناگون نموده و انسان‌ها را با دنیای دگرگون‌شونده، سیال، گسیج‌کننده، نفوذپذیر و غیرمتعین و ناآشنا و فاقد حد و مرز و غیرقابل کنترل، و پیچیده مواجه ساخته است.

یکی از مهم‌ترین تأثیرات آن، تأثیر بر وضعیت فرهنگ‌ها و ادیان است. از این‌رو، جهانی شدن برای جوامع اسلامی به عنوان یکی از دغدغه‌های مهم و چالش‌برانگیز به شمار می‌رود. این مسئله، که در عصر جهانی شدن، اسلام به منزله یک دین و فرهنگ جهانی، چه نوع مواجهه و رابطه‌ای می‌تواند با جهانی شدن کنونی داشته باشد، مسئله‌ای مهم و درخور توجه است که این مقاله می‌کوشد تا بدان بپردازد.

در سال‌های اخیر، درباره جهانی شدن و تأثیرات و پیامدهای آن، از سوی پژوهشگران تحلیل‌ها و مباحث گسترده‌ای مطرح شده است. هر یک از اندیشمندان و نظریه‌پردازان کوشیده است تا ابعاد گوناگون این پدیده نوظهور را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و تبیین علمی از این موضوع مهم ارائه دهد.

برخی از اندیشمندان معاصر، همچون گیدنز، که از مدافعان سرسخت مدرنیته و از منتقدان پست مدرنیته به شمار می‌رود، در تحلیل گفتمانی خود، جهانی شدن را به عنوان «جهانی شدن مدرنیته» تفسیر نموده و جهانی شدن را ذاتی مدرنیته به شمار آورده است.

و تعبیری از این دست تعریف شده است. «جهانی شدن» پدیده‌ای نوظهور و پیچیده است که به دلیل ابعاد نامکشوف و گسترده آن و ماهیت ساختارشکنانه‌ای که دارد، هنوز ماهیت و کارکردهای همه‌جانبه‌اش آشکار نگشته و از این رو، تعاریف و برداشت‌های گوناگون و حتی متضادی از آن ارائه شده است.

در ذیل، به برخی تعاریف ارائه شده از این پدیده اشاره می‌شود:

مارتین آلبرو جهانی شدن را فرایندهایی تعریف می‌کند که موجب می‌شوند تمام مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به هم پیوندند.^(۸)

دیوید هلند چهار ویژگی اصلی این جریان را مورد تأکید قرار می‌دهد:

۱. افزایش جریان‌ها و شبکه‌های ارتباطی؛

۲. نفوذپذیری متقابل؛

۳. گسترش روابط اجتماعی ملت‌ها؛

۴. رشد ابزارهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی.^(۹)

مک‌گرو از دیگر اندیشمندان صاحب‌نظر در موضوع جهانی شدن، در تعریف و توصیف این پدیده می‌گوید: «جهانی شدن به معنای افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی است که فراتر از دولت‌ها شکل می‌گیرد و در نتیجه آن، قدرت دولت‌ها کاهش می‌یابد و هویت‌های مبتنی بر سرزمین و تاریخ و قومیت، ماهیتی متفاوت می‌یابند.»^(۱۰)

امانوئل والراشتاین در کتاب سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی، شکل‌گیری جهانی واحد را پیش‌بینی نموده، در تعریف «جهانی شدن» می‌نویسد: «جهانی شدن فرایند شکل‌گیری شبکه‌هایی است که طی آن اجتماعاتی که پیش از این در کره‌خاکی دور افتاده و منزوی بودند، در وابستگی متقابل و وحدت جهانی، ادغام می‌شوند.»^(۱۱)

رابرتسون، از برجسته‌ترین اندیشمندان در حوزه جهانی شدن، نیز یکپارچه شدن جهان را ناشی از یک عامل - مثلاً، تمدن غرب یا امپریالیسم - نمی‌داند، بلکه وی عوامل اصلی تغییرات در جهان حاضر را مجموعه‌ای از عوامل می‌داند، نه یک عامل. از نظر او، عواملی همچون جامعه جهانی، بشریت، اندیشه ترقی، علم و فناوری همه از عوامل جهانی شدن محسوب می‌شوند.^(۵)

ایزابیل موناو، که با گرایش‌های مارکسیستی به تحلیل تحولات جهانی می‌پردازد، می‌گوید: «واقعیت این است که جامعه‌ای واحد در مقیاس بشریت، به معنای ایجاد نابرابری در سطح جهان و سیطره یک حکومت بر همه جهان است.»^(۶)

یکی دیگر از کسانی که با رویکردی متفاوت و چالش‌برانگیز به تحلیل جهانی شدن و جهانی‌سازی پرداخته، فرانسیس فوکویاما است. وی با طرح نظریه «پایان تاریخ»، پیروزی فرهنگ سرمایه‌داری غرب را پیش‌بینی نموده است. وی جهانی شدن را به معنای «گسترش فرهنگ غربی و سیطره تمدن آمریکا بر جهان» می‌داند و از آن به عنوان «پایان تاریخ» تعبیر می‌کند.

اسکات لَش و جان یوری نیز بر مبنای گرایش‌های پست‌مدرنیستی، جهانی شدن را از شاخصه‌های بارز دوران پسامدرنیته تلقی نموده‌اند.^(۷)

پیش از ورود به بحث اصلی، لازم است به تبیین دقیق مفهوم «جهانی شدن»، «جهانی‌سازی»، و تفاوت‌های این مفاهیم کلیدی بپردازیم.

تعریف و ماهیت «جهانی شدن»

«جهانی شدن» معادل کلمه انگلیسی globalization به معنای شمول‌گرایی و فراگیر شدن امری در سطح جهان و به معنای بین‌المللی شدن، جهان‌گستری، فرا قلمروگرایی

غربی‌سازی و گسترش تمدن غرب می‌داند: (۱۷)
 «جهانی‌گرایی»، بسط و گسترش و انتقال تمدن و فرهنگ ایالات متحده آمریکا به سایر کشورهای جهان است. (۱۸)
 پیروز مجتهدزاده، واژه «جهانی‌شدن» را معادل «آمریکایی شدن» و همان «جهانی‌سازی» می‌داند. از نظر وی، در پرتو جهانی‌شدن، جهانیان به فرهنگ، مفاهیم، زبان و اخلاق یا بی‌اخلاقی آمریکایی تن می‌دهند. (۱۹)
 در تعریفی دیگر، «جهانی‌شدن» به معنای «قلمروزدایی» توصیف شده است. (۲۰)

بر اساس تعاریف مزبور، می‌توان گفت: تعریف دقیق «جهانی‌شدن» باید در بردارنده سه مفهوم اساسی و ویژگی مهم باشد:

۱. فشرده شدن زمان و مکان و الزایش حجم و سرعت اطلاعات؛
 ۲. جریان آزاد و غیرقابل کنترل مبادله اطلاعات و تغییر ساختارهای ملی و بومی، در بعد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی؛

۳. تشدید روابط و وابستگی متقابل و کنش‌پذیری جوامع و تغییر هویت.

دیدگاه‌های متفاوت و متضاد درباره جهانی‌شدن درباره ماهیت و پیامدهای جهانی‌شدن، سه دیدگاه عمده وجود دارد:

دیدگاه اول: برخی از مخالفان جهانی‌شدن اصل وقوع پدیده‌ای به نام «جهانی‌شدن» را به طور کلی رد می‌کنند و آن را یک جنجال تبلیغاتی از سوی برخی روزنامه‌نگاران، سیاست‌مداران و صاحبان شرکت‌های چند ملیتی می‌دانند.

دسته دیگری از مخالفان جهانی‌شدن را به معنای «غربی‌سازی» یا «جهانی‌سازی غرب» توصیف می‌کند و

مالکوم واترز نیز جهانی‌شدن را این‌گونه تعریف می‌کند: «فرایندی که در نتیجه آن محدودیت‌های جغرافیایی و نظام‌های اجتماعی و فرهنگی متحول و برچیده می‌شوند و به تشدید آگاهی عمومی منجر می‌شود». (۱۲)
 دیوید هاروی جهانی‌شدن را مرحله‌ای شدید از فشرده‌گی زمان و مکان می‌داند که دارای تأثیر گیج‌کننده و مخربی بر رویه‌های سیاسی - اقتصادی، توازن قدرت طبقات و نیز بر زندگی فرهنگی و اجتماعی است. (۱۳)

امانوئل کاستلز، نویسنده کتاب جامعه اطلاعاتی، با اشاره به عصر اطلاعات، جهان‌گرایی را ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای می‌داند که در ادامه حرکت سرمایه‌داری، پهنه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را دربر می‌گیرد. (۱۴)

در تعریفی دیگر، «جهانی‌شدن» به معنای (universalization) «جهان‌گسری» آمده است؛ یعنی اشخاص و پدیده‌های فرهنگی در مقایسه با دوران‌های دیگر، بیشتر در تمام مناطق قابل سکونت کره زمین پخش شده‌اند. (۱۵)

رابرتسون نیز در تعریف دقیق‌تری جهانی‌شدن را این‌گونه توصیف نموده است: «جهانی‌شدن یا سیاره‌ای شدن جهان مفهومی است که هم به تراکم جهان و هم به تشدید آگاهی درباره جهان و هم به وابستگی متقابل و هم تشدید آگاهی از یکپارچگی جهان در قرن بیستم اشاره دارد». (۱۶)
 برخی دیگر «جهانی‌شدن» را معادل «غربی‌سازی» گرفته و در تعریف آن گفته‌اند: «جهانی‌شدن» به معنای یکسان‌سازی همه فرهنگ‌ها و بسط الگوی تمدن غربی، به ویژه آمریکا و در واقع، نوعی دیگر از «امپریالیسم» است. فسوکویاما، از نظریه‌پردازان معاصر آمریکا، «جهانی‌شدن» را به معنای گسترش فرهنگ غربی و سیطره تمدن آمریکا بر جهان می‌داند و از آن به عنوان پایان تاریخ تعبیر می‌کند و آن را معادل جهانی‌سازی غرب و

به طور کلی، نظریات موافقان و مخالفان را می‌توان در چهار دیدگاه ذیل خلاصه کرد:

۱. کسانی که آن را به عنوان «جهانی شدن نظام سرمایه‌داری» و یا غربی‌سازی توصیف می‌کنند.
 ۲. کسانی که جهانی شدن را به مثابه «جهانی شدن مدرنیته» تفسیر می‌نمایند.
 ۳. کسانی که جهانی شدن را به منزله «گذر از مدرنیته» و بیانگر ورود به عصر فرامدرنیته (پست مدرنیته) می‌دانند.
 ۴. نظریه‌ کسانی که جهانی شدن را معلول پیشرفت علم و فناوری نوین می‌دانند.
- نقد و نظر: در این باره که آیا «جهانی شدن» معادل «جهانی‌سازی» و «غربی‌سازی جهان» است و یا اینکه این دو با هم تفاوت دارند، اختلاف نظر جدی وجود دارد. بیشتر اندیشمندانی که درباره جهانی‌سازی و جهانی شدن به تحقیق پرداخته‌اند، مفهوم این دو را یکی دانسته و معتقدند: «جهانی شدن» و «جهانی‌سازی»، هم از نظر مفهوم و هم از نظر مصداق مشترکند و هر دو روایتگر یک پدیده و فرایند هستند. به نظر می‌رسد درباره مفهوم جهانی شدن و جهانی‌سازی و واقعیت عینی این دو، یک خلط و اشتباه اساسی صورت گرفته است. واقعیت این است که نمی‌توان این دو اصطلاح را از نظر مفهوم و مصداق، با هم یکسان فرض کرد و جهانی شدن را با جهانی‌سازی یکی دانست، بلکه این دو جریان از یکدیگر متفاوت و متمایزند و در واقع، ما شاهد تحقق دو پدیده و دو فرایند هستیم که از نظر مفهوم شناختی، باید «جهانی شدن» را به عنوان یک فرایند تحوّل طبیعی و فناوریانه بشری دانست، و «جهانی‌سازی» را به عنوان طرحی برای تحمیل الگوی فرهنگی یا سیاسی و اقتصادی غرب و معادل غربی‌سازی توصیف کرد.

آن را یک طرح سیاسی - اقتصادی می‌دانند که کشورهای پیشرفته و امپریالیستی در جهت بسط فرهنگ مادی و لیبرال سرمایه‌داری غرب طراحی کرده‌اند. بیشتر اندیشمندان و متفکران مسلمان و برخی از مخالفان جهانی شدن، که گرایش مارکسیستی و سوسیالیستی دارند، «جهانی شدن» را معادل «جهانی‌سازی» و همان استعمار در شکل نوین آن تلقی نموده، به نلی آن می‌پردازند.

دیدگاه دوم: دیدگاه موافقان جهانی شدن است که خود طبقات گوناگونی از دیدگاه‌ها و رویکردها را دربر می‌گیرد. یک دسته از موافقان جهانی شدن معتقدند: جهانی شدن یکی از مراحل طبیعی نظام سرمایه‌داری و جهانی شدن و برون‌گستری نظام سرمایه‌داری در جهان است و «شاخصه‌های اصلی آن را اومانیسم، فردگرایی، لیبرالیسم، قانون‌گرایی، حقوق بشر، برابری زن و مرد، سیاست دموکراتیک و اندیشه سکولار، بازار آزاد و اقتصاد سود محور بازار تشکیل می‌دهد.»^(۲۱)

برخی دیگر جهانی شدن را یکی از مراحل ساختاری مدرنیته می‌دانند و معتقدند: مدرنیته ذاتاً جهانی است و حدّ و مرز نمی‌شناسد.

دیدگاه سوم: دیدگاهی است که جهانی شدن را فرایندی می‌داند که ناشی از تحوّل تدریجی و طبیعی جامعه بشری و یکی از مراحل پیشرفت تاریخی و معلول رشد دانش بشر و دستیابی به فناوری ارتباطات است. به نظر طرف‌داران این نظریه، جهانی شدن روندی است که فضای باز و رقابت‌پذیری را فراروی همه فرهنگ‌ها و ملت‌ها می‌گشاید و هر فرهنگ و ملتی می‌تواند متاع خویش را در این فضای باز به جهانیان عرضه نماید و مخاطب خود را بیابد. بر اساس این تصویر، جهانی شدن متضمن تسهیل روابط و آزادی و توسعه بیشتر علمی و رقابت فرهنگ‌هاست.

تعیین‌کننده دارد و شکی نیست که این جریان، هم می‌تواند مطلوب و دارای ثمرات مثبت و جهانی باشد و هم می‌تواند دارای عوارض و پیامدهای منفی باشد. چنانچه در جهت بسط و گسترش بهترین و ارزشمندترین فرهنگ‌ها و آرمان‌ها به کار گرفته شود، امری مطلوب و مفید است، ولی اگر از این فضا و امکانات و ابزار در جهت تحمیل و ترویج فرهنگ‌های منحط و غیرانسانی و سلطه فکری و سیاسی و اقتصادی یک فرهنگ استفاده شود، نامطلوب و مخرب خواهد بود.

بنابراین، در مواجهه با این جریان، نباید دچار نگاه اراطی و تفریطی و تخمین زدگی شویم و یا در حالت انفعالی و یا موضع‌گیری «فنی و اثبات» قرار بگیریم.

ویژگی‌ها و مشخصه‌های مهم جهانی شدن

۱. ارتباطات متقابل؛ جهانی شدن موجب وابستگی شدید در حوزه ارتباطات و افزایش پیوندها و تعاملات اجتماعی در دل شبکه‌های جهانی می‌گردد که حاصل این فرایند کوچک شدن جهان و تحقق نظر «دهکده جهانی» است. (۲۳)
۲. تشدید و تقویت آگاهی؛ پیشرفت فناوری موجب تشدید و تسریع روزافزون انواع ارتباطات و مبادله اطلاعات فرهنگی و علمی شده و نتیجه آن تشدید آگاهی و انباشت اطلاعات است.
۳. سرعت فزاینده و گسترده ارتباطات و مبادله اطلاعات؛ که از بارزترین و آشکارترین ویژگی جهانی شدن است.
۴. کلیت و گستره تأثیرات؛ حوادث در یک بخش از جهان، در سراسر دنیا تأثیر و انعکاس دارد. تحولات جدید در زمینه فناوری ارتباطات و گسترش انواع رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، مانند رایانه‌ها، شبکه پیچیده اینترنت، و ماهواره‌ها موجب شده‌اند تا انسان‌ها

نقطه خطا و مغالطه کسانی که «جهانی شدن» را همانند «جهانی سازی» یک طرح می‌دانند این است که آنان همه احکام و لوازم و نتایج جهانی سازی را به جهانی شدن سرایت می‌دهند و آن را عامل سلطه امپریالیسم غرب و گسترش فرهنگ غرب در جهان تلقی می‌کنند. درست است که جهانی سازی یک طرح و سیاست استعماری است و هدف اصلی آن غارت منابع تمامی کره زمین و بستر سازی فرهنگی و سیاسی برای گسترش بازارهای مصرف و تأمین منابع مالی و مواد اولیه شرکت‌های بزرگ اقتصادی و سیطره نظام سرمایه‌داری غرب بر جهان است و باید از آن بیمناک بود و در برابر عواقب شوم و نامطلوب آن به مقابله برخاست، اما این مطلب دلیل بر آن نیست که «جهانی شدن» نیز عیناً همان «جهانی سازی» است و لوازم و پیامدهای جهانی سازی را به همراه دارد، بلکه جهانی شدن با «جهانی سازی»، و «غربی سازی جهان» (۲۴) تفاوت اساسی دارد.

همچنان‌که اشاره شد، ما به دلایل پیش گفته، که مورد قبول بیشتر اندیشمندان است، با «جهانی سازی» به معنای «غربی سازی» مخالفیم و همه آثار و پیامدهای آن را منفی و مخرب می‌دانیم و آن را یک طرح استعماری تلقی می‌کنیم، ولی جهانی شدن را یک فرایند علمی، که در نتیجه تحولات علمی و تاریخی و پیشرفت طبیعی حاصل شده است، می‌دانیم و بر این باوریم که جهانی شدن ذاتاً لاقضاست و لزوماً حامل فرهنگ غرب نیست، بلکه می‌تواند حامل پیام هر فرهنگی باشد و این بستگی به آن دارد که هر ملت و فرهنگی به چه میزان قدرت استفاده از این فضا و فرصت را از نظر نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در دست دارد. از این‌رو، نحوه و میزان به کارگیری ابزار (سخت‌افزار)‌های جهانی شدن برای انتقال و تبادل پیام‌های فرهنگی (نرم‌افزاری) در رقابت جهانی، نقش

پیامبر شده است؛ مورد توجه قرار داد، و هم با توجه به مبانی عقلانی و علمی و هماهنگی این دین با فطرت نوع بشر اثبات کرد.

جهان شمول بودن اسلام یک حقیقت قطعی و بدیهی است که در بین مسلمانان هیچ شک و تردید و ابهام و اختلافی درباره آن وجود ندارد. اسلام - فی ذاته - یک دین جهانی و همگانی است و آیینی است که رسالت آن هدایت و نجات تمام انسان‌ها در همه عصرها و نسل‌هاست. جهانی بودن اسلام را می‌توان با استناد به برخی از آیات قرآن کریم اثبات نمود:

۱. رسالت جهانی پیامبر اکرم ﷺ: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً﴾ (۲۶)

۲. قرآن برای همه انسان‌ها نازل شده است: ﴿وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ (۲۷)

۳. دارا بودن قوانینی هماهنگ و منطبق با فطرت آدمی: ﴿فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ﴾ (۲۸)

۴. ارزش نهادن به علم و دعوت به آن: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (۲۹)

۵. نگاه جامع و کامل به همه جنبه‌های جهان هستی و نیازهای بشری: ﴿مَا فَرَقْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (۳۰) و اینکه خداوند قرآن را ﴿تَبَيِّنَاتاً لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (۳۱) توصیف کرده است.

۶. توجه به نیازهای معنوی بشر و ترسیم خطوط حیات معقول (معنویت، عقلانیت و اعتدال): نظیر این آیات کریمه ﴿وَيَعْلَمُونَ ظَاهِراً مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ﴾ (۳۲) عقلانیت، مثل ﴿تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾ (۳۳) و اعتدال نظیر، آیه شریفه ۸ سوره مائده که می‌فرماید: ﴿اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾ و یا ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾

در هر نقطه جهان، در معرض هجوم انواع آسیب‌ها و اطلاعات سازمان‌دهی شده و غیر سازمان‌دهی شده قرار بگیرند.

۵. چند بعدی و پیچیدگی؛ جهانی شدن دارای ابعاد گوناگون فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تربیتی، علمی و فنی است و نظیر هر پدیده نوظهور دیگری، ترکیبی از «تهدید» و «فرصت» است.

یکی از پیامدهای این جریان، همگرایی در عرصه جهانی و مواجه شدن همه ملت‌ها با ریسک‌های مشترک و شبکه تقدیر مشترک است. شتاب و تراکم ارتباطات و تسهیل انواع مبادلات این امکان را به وجود آورده است که پیامدهای بسیاری از اقدامات خود را به خارج از مرزها منتقل کنیم. (۲۴)

۶. جهانی شدن؛ این فرایند در شرایطی اتفاق می‌افتد که پیشرفت‌های مادی در کنترل یک تمدن الحادی است و تمدن غرب به دلیل برخورداری از ابزارهای فناورانه، بیشتر می‌تواند به گسترش فرهنگ مادی و الحادی خود بپردازد. (۲۵)

جهانی بودن و جهانی شدن اسلام

پیش از بررسی رابطه اسلام با جهانی شدن کنونی، ابتدا لازم است ماهیت جهانی بودن و دلایل جهانی شدن اسلام، و ویژگی‌های آن را با نگاهی گذرا به منابع اصیل اسلامی، مورد اشاره قرار دهیم و تصویری کلی از جهانی بودن اسلام ارائه نماییم و سپس به بررسی رابطه آن با روند جهانی شدن کنونی بپردازیم.

جهانی بودن دین اسلام را می‌توان هم از طریق مطالعه محتوای آموزه‌ها و متن پیام‌های آسمانی این دین و تصریحاتی که در منابع اصیل اسلامی نسبت به جهانی بودن این دین، و جهانی بودن نبوت و خاتمیت رسالت

همه مفسران قرآن کریم اتفاق نظر دارند که لفظ «جمیعاً» در این آیه شریفه، برای تأکید بر عمومیت رسالت و شمول و همگانی بودن رسالت پیامبر اکرم ﷺ است.

آیات دیگری نیز وجود دارند که بر جهانی بودن دین اسلام و تعالیم قرآن تأکید دارند؛ از جمله آیه ۹۰ سوره انعام که می‌فرماید: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرًا لِلْعَالَمِينَ.»

آیه ۱۰۷ سوره انبیا نیز این مطلب را به صراحت بیان می‌کند: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ.» (۳۲)

در آیه اول سوره فرقان هم می‌فرماید: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا.»

این آیه نیز هدف نهایی فرقان (قرآن) را انداز جهانیان و آگاهی و بیداری همه مردم جهان در همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌داند. شیخ طبرسی در ذیل این آیه شریفه آورده است: منظور از «لِلْعَالَمِينَ»، «جميع المكلفين من الانس و الجن» است. (۳۳)

آیه دیگر می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.» (۳۴)

صاحب تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن در ذیل این آیه شریفه، حدیثی نقل می‌کند که بر جهانی بودن رسالت پیامبر اکرم ﷺ و نیز بر جهانی بودن امامت دلالت دارد.

عبدالله بن بکر از امام صادق ﷺ سؤال کرد: جانم به فدایت آیا امام آنچه را بین مشرق و مغرب است، می‌بیند؟ امام صادق ﷺ ضمن تأکید بر جهانی بودن امامت اهل بیت عصمت و جلال و اینکه هر امامی گواه بر خلق است و همه مردم را می‌بیند و بر همه جهانیان حجّت و امام است، فرمودند: «وَاللَّهِ يَقُولُ: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» یعنی: برای هر که روی زمین است و حجّت پس از پیامبر جانشین پیامبر و راهنمای مشاجرات امت و ستاننده حقوق مردم است. (۳۵)

۷. تأکید بر برابری همه انسان‌ها و نفی تبعیض و برتری‌های نژادی - مادی و قومی و زبانی: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ.» (۳۴)

۸. نفی سلطه‌پذیری و عبودیت غیر خدا: «وَلَا يَتَّخِذْ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ.» (۳۵) «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا.» (۳۶) و نفی ظلم و فساد در هر شکل و با هر انگیزه‌ای: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا.» (۳۷)

۹. دعوت به عدالت و قسط: «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ.» (۳۸)

۱۰. قرآن کریم در آیات دیگری بر جامعیت و کامل بودن و اینکه تنها دین مقبول اسلام است، تأکید و تصریح نموده که به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

الف. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ.» (۳۹)
ب. «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ.» (۴۰)

در تفسیر آیات مزبور، حدیثی از امام صادق ﷺ نقل شده است، به این مضمون که ای مفضل، به خداوند سوگند، همه اختلاف‌ها از میان ادیان برداشته می‌شود و همه به صورت یک دین واحد درمی‌آیند؛ همان‌گونه خدای - عزوجل - فرموده: «تنها دین حق، نزد خدا اسلام است.» در آیه ۳۳ توبه به صراحت تمام، دین اسلام را دین حق و هدایت می‌داند که سرانجام، بر همه ادیان غلبه خواهد کرد. این آیه علاوه بر دلالت بر حقانیت دین اسلام، از جهانی بودن دین اسلام و حتمی بودن اراده خدا نسبت به جهانی شدن این دین خبر می‌دهد.

خداوند به پیامبر اکرم ﷺ خطاب می‌کند که جهانی بودن دعوت و رسالت خود را به مردم ابلاغ کند: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا.» (۴۱)

برخی از این زمینه‌ها و قابلیت‌ها عبارتند از:

۱. برتری فکری و غنای فرهنگی و سابقه تمدن درخشان اسلامی و داشتن نهادهای قدرتمند و اهداف متعالی و استراتژیک؛

۲. نوع تعالیم و دعوت‌ها و آرمان‌های این دین، جهانی و معقول و فطری است؛

۳. نفی مظاهر جهل و خرافه و عوامل شرک و انحطاط؛

۴. نفی تمایزات قومی و قبیله‌ای و نژادی و مادی که عامل تبعیض و تفرق و رکود و مانع وحدت و یکپارچگی و دوستی و برابری انسان‌ها به شمار می‌روند.

۵. کارکردهای این دین جهانی است و در سرنوشت کل بشر تأثیر دارد و در فرایند علم، اخلاق، فرهنگ و سیاست، تعدیل و نگرش معقول به ارمغان می‌آورد.

۶. روند رو به رشد پیروان این دین در سطح جهان نشانه مقبولیت بشری به این دین است.

۷. تأمین نیازهای روحی و روانی و نجات بشر از حیرت و سرگشتگی و یأس؛ این عوامل از زمینه‌ها و قابلیت‌های جهانی دین اسلام حکایت می‌کنند.

۸. گذر از فردگرایی به نهادهای اجتماعی و امت واحد جهانی؛

۹. دعوت تمامی ادیان آسمانی به کلمه مشترک (توحید و یکتاپرستی)؛

۱۰. کنترل درونی عوامل انحراف و فساد و طغیان و استبداد بشر علیه بشر.

ویژگی‌های جهانی شدن اسلام

اسلام دارای ویژگی‌ها و مختصات است که با هیچ‌یک از نظام‌های موجود قابل مقایسه نیست. جهانی شدن اسلام نیز در واقع، به معنای جهانی شدن این اصول و ویژگی‌هاست.

علاوه بر آیات متعددی که بر جهانی بودن دین اسلام و وعده الهی بر تحقق این امر دلالت دارند، در احادیث فراوانی نیز بر این مطلب تأکید و تصریح شده است. برای نمونه، به برخی از این احادیث استناد می‌شود:

۱. عبدالله بن عباس نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمودند: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَنِي بِرِسَالَتِهِ إِلَىٰ جَمِيعِ خَلْقِهِ، ﴿لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنِّي بِيْنَتِهِ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنِّي بِيْنَتِهِ﴾ و اصطفاً علی جمیع العالمین من الاولین و الآخرین» (۴۶)

۲. امام رضا ﷺ در توصیف معجزه بودن قرآن و جاویدان بودن آن فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - ... لَمْ يَجْعَلْ لِرِمَانِ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ؛ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ، أَلِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (۴۷) و باز فرمودند: «لَمْ يَجْعَلْ لِرِمَانٍ دُونَ زَمَانٍ، بَلْ جَعَلَ دَلِيلَ الْبِرْهَانِ وَالْحُجَّةِ عَلَىٰ كُلِّ إِنْسَانٍ» معنای حدیث این است که خداوند قرآن را برای یک زمان خاص و برای مردمی خاص حجت و برهان قرار نداده، بلکه بر همه عالمیان و همه انسان‌ها حجت است. (۴۸)

۳. جهانی شدن اسلام با قیام جهانی امام مهدی ﷺ روی خواهد داد، و این وعده بزرگ الهی وعده قطعی و تغلف‌ناپذیر خداوند است. شیخ طبرسی در ذیل آیه شریفه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (۴۹) آورده است که پیامبر ﷺ در تفسیر این آیه شریفه فرمودند: «لَأَبِيتُنِي عَلَى الْأَرْضِ بَيْتٌ مَدْرٍ وَلَاؤَبْرُ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ تَعَالَىٰ كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ» (۵۰) یعنی: هیچ خانه آباد و هیچ چادری در روی زمین نخواهد بود، مگر اینکه خداوند به وسیله حضرت مهدی ﷺ اسلام را در آن وارد می‌نماید.

با نگاهی ژرف و جامع‌نگرانه به تعالیم اسلام، می‌توان گفت: اسلام زمینه‌های لازم و کافی را برای جهانی شدن و جهانی شمولی دارد.

و هم در روش‌ها، کاملاً از یکدیگر متمایزند.

۵. دعوت به علم و عقلانیت: یکی از مهم‌ترین زمینه‌های جهانی شدن و مقبولیت عام یک فرهنگ، عقلانی بودن آن و توانایی پاسخ گفتن به نیازهای اساسی بشر است. از جمله دیگر ویژگی‌ها و قابلیت‌های ذاتی اسلام برای جهانی شدن و بسط در بین سایر ملت‌ها و فرهنگ‌ها، اصل «عقلانی بودن آموزه‌های آن» است و جهانی شدن اسلام به معنای جهانی شدن علم و عقلانیت و معنویت و عدالت و امنیت و رشد و تعالی انسان‌ها در سراسر جهان است.

وجوه تفاوت و تمایز جهانی بودن اسلام و جهانی شدن کنونی

جهانی شدن اسلام با پدیده جهانی شدن کنونی، هم در تعریف و هم در اهداف و روش‌ها، تفاوت‌های بنیادی دارد. جهانی شدن اسلامی با الگوی جهانی سازی غربی، که بر پایه امپریالیسم و نئولیبرالیسم است، از چند جهت تفاوت دارد:

۱) جهانی سازی غرب بر مبانی و زیرساخت‌ها و اصول فکری و فلسفی تمدن غرب شکل گرفته است. این مبانی عبارتند از:

- الف. تکیه بر عقلانیت بشری و علم اثبات‌گرایانه؛
 - ب. اومانیزم (انسان‌محوری)؛
 - ج. لیبرالیسم (تأکید بر آزادی مطلق انسان)؛
 - د. سکولاریسم (تأکید بر استغناء بشر از دین).
- در مقابل، مبانی جهانی سازی اسلامی (مهدوی) عبارتند از:

- الف - فطرت‌گرایی؛
- ب - ارج نهادن به عقل و علم؛
- ج - اعتقاد به وجود رابطه جهان هستی با مبدأ؛
- د - غایت‌مندی نظام آفرینش و به ویژه انسان؛

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های جهانی شدن اسلام را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. جامعیت و کامل بودن: اسلام به مثابه یک دین جامع و کامل، ناظر به همه ابعاد حیات بشری است و دارای عمیق‌ترین و عالی‌ترین معارف عقلی و تعالیم معنوی، عرفانی و اخلاقی و دارای قوانین متقن و دستورات عملی برای حیات فردی و اجتماعی است.

۲. ذاتی بودن جهان‌شمولی اسلام: یکی از ویژگی‌های دین اسلام، جهانی بودن آن است. جهانی بودن دین اسلام ویژگی ذاتی آن و هدف و نوع رسالت و ماهیت آموزه‌های این دین است. جهانی شدن اسلام اولاً، جنبه اعتقادی دارد و ثانیاً، مبتنی بر عقل و فطرت انسانی است. اسلام خود را به مثابه دین حق، متعلق به کل بشریت و همه انسان‌ها می‌داند و طبق وعده الهی، سرانجام بر همه فرهنگ‌ها و ادیان پیروز و جهانی خواهد شد.

۳. الهی و فطری بودن اسلام: دین اسلام چون موافق با عقل و فطرت انسان است، هر انسان طالب حق و کمال در هر جا و هر زمان که باشد، چاره‌ای جز پذیرش حقایق فطری و عقلانی اسلام ندارد؛ چون اسلام همان طریق حق و صراط مستقیم است.

۴. ارادی و درونی بودن تحوّل فردی و اجتماعی در اسلام: فرایند جهانی شدن اسلام بر اساس اراده و انتخاب آگاهانه و گرایش قلبی افراد شکل می‌گیرد و از درون به بیرون است، ولی «جهانی شدن» کنونی به نوعی، تغییر از بیرون به درون و به صورت جبری و تحمیلی است؛ یعنی انسان‌ها باید از روی آگاهی و باور درونی، تصمیم به تغییر و اصلاح بگیرند، نه با اجبار شرایط بیرونی، یا به وسیله تلقین و القای رسانه‌ها، و ادار به تغییر سبک زندگی و نوع ارتباطات شوند. بر این اساس، از این نظر نیز «جهانی بودن اسلام» با پدیده «جهانی شدن» کنونی، هم در اهداف

مبانی خاص فکری و فلسفی خود، هرگز نمی‌تواند تأمین‌کننده نیازهای واقعی انسان‌ها به حقیقت، عدالت و معنویت و امنیت و صلح باشد و از این نظر، جهانی شدن غرب لزوماً به بهتر شدن وضعیت زیست جهان و تأمین امنیت و تحقق عدالت و صلح نمی‌انجامد.

به تعبیر یکی از اسلام‌شناسان غربی، «تنها بر اساس الگوهای دینی و اخلاقی و معنوی است که آرامش و ثبات برای انسان‌ها به وجود خواهد آمد و جهان امروز ما برای بسیاری از معضلات خود، تنها و تنها باید به سراغ دین برود و به سوی برابری و برادری همه انسان‌ها حرکت کند.» (۵۱)

۳) جهانی شدن بر اساس الگوی اسلامی، هرگونه سلطه‌گرایی و استعمارگری و استثمارشدگی و بی‌عدالتی و نابرابری و تبعیض را نفی می‌کند، در حالی که جهانی شدن غربی با تحمیل و اجبار الگوهای خود بر سایر فرهنگ‌ها و جوامع، در صدد سلطه بر همه جهان است. جهانی شدن اسلامی مبتنی بر گرایش‌های فطری، و منطبق با عقلانیت و ارزش‌های انسانی بوده و با آزادی و انتخاب آگاهانه صورت می‌گیرد. (۵۲)

۴) نماد بارز جهانی شدن غرب تحمیل الگوی معینی از حیات است که بر مبنای تفکر سکولاریستی غرب شکل می‌گیرد. چنین الگویی از جهانی شدن، به معنای تحمیل سلطه همه‌جانبه غرب است که نتیجه و دستاورد نهایی آن استضعاف بیشتر مردم و الحاد و رواج فساد اخلاقی و اجتماعی و بی‌عدالتی و فقر و تبعیض و استثمار است.

۵) موج کنونی جهانی شدن، بی‌هدف و کنترل نشده و غیرنظام‌مند و سریع و کلی و غیرمذهبی است و از این رو، مخاطرات و پیامدهای آن تا حد زیادی غیرقابل پیش‌بینی است و همه فرهنگ‌ها و ملت‌ها، از جمله مسلمانان را در معرض چالشی بزرگ و تهدیدکننده قرار می‌دهد، در

ه - اصل قانونمندی نظام تکوین و تشریح (اصالت تشریح و اصالت دین)؛

و - استمرار و تداوم نظام هدایت و رهبری الهی؛

ز - اصل کرامت الهی انسان؛

ح - اصل حاکمیت ارزش‌های الهی؛

ط - اصل آزادی و حق حیات و بهره‌مندی همه انسان‌ها از مواهب طبیعی؛

ی - اصل عزتمندی و شرافت و نفی سلطه دیگران؛

ک - اصل حق انتخاب راه و حق رشد و تعالی که از لوازم اصل کمال‌طلبی فطری است.

۲) الگوی جهانی شدن اسلام مبتنی بر ارزش‌های الهی و اخلاقی و معیارهای عقلانی است. اسلام به عنوان یک دین کامل و یک نظام جامع، تعالیم خود را مبتنی بر فطرت، اعتقاد به حاکمیت خداوند، خداواری، حاکمیت ارزش‌های معنوی، امامت و رهبری صالحان، عقلانیت و علم، کرامت انسانی، عدالت‌گستری، تحقق صلح و امنیت و حقوق فطری بشری بنا نهاده است. هدف بنیادین جهانی شدن اسلام و جهانی‌سازی مهدوی تکامل همه‌جانبه انسان‌ها و بسط معارف توحیدی و از بین بردن تمامی موانع رشد و کمال بشری و تحقق ارزش‌های والای انسانی و تأمین امنیت و عدالت و صلح و برابری و محبت و نفی تمامی مظاهر فساد و کفر و شرک و ظلم است. این آموزه‌ها جزو عناصر جوهری جهانی شدن اسلام است که زمینه مقبولیت جهانی اسلام و پویایی و تداوم این مذهب را تضمین می‌کند. علاوه بر این، طبق وعده الهی، سرانجام این تعالیم و ارزش‌ها در سراسر جهان بسط و گسترش خواهند یافت و بر ارزش‌های باطل و منحط فرهنگ‌های شیطانی پیروز خواهند شد.

فرهنگ غرب که بر مبنای ارزش‌های غیردینی و سکولاریستی و مادی‌گرایانه شکل گرفته است، به دلیل

حالی که جهانی شدن اسلامی منجر به نابودی زبان‌ها و نقاط مثبت و عقلانی فرهنگ‌های بومی نمی‌شود.

۶) رویکرد «جهانی شدن کنونی» در جهت تخریب محیط زیست، ترویج فرهنگ مصرف و نابودی فرهنگ‌های محلی و بومی است و در جهت منافع بیشتر و گسترش شرکت‌های چندملیتی و در دست گرفتن کل سرمایه‌های جهان است. اما در مقابل، تمدن اسلامی علم و فناوری و صنعت و اقتصاد را در خدمت بشریت قرار می‌دهد و زمینه استعمار و استثمار و ظلم و تبعیض و بی‌عدالتی را از بین می‌برد. اسلام در این جهت نیز با جهانی شدن همسویی ندارد.

اسلام و جهانی شدن: چالش یا تعامل؟

با توجه به دلایل و شواهد پیش گفته، می‌توان چنین نتیجه گرفت که جهانی شدن کنونی، چه به معنای «جهانی‌سازی غربی» و چه به معنای علمی و تاریخی آن، با فرهنگ اسلامی و اندیشه دینی تعارض دارد. علاوه بر وجوه تمایزی که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت، شواهد ذیل نیز مؤید این واقعیت است:

۱. از جمله دلایل تعارض اسلام با جهانی شدن کنونی این است که اولاً، همه فرهنگ‌ها و جوامع، دسترسی برابر به فناوری‌های جدید ندارند. و همچنین در فرایند شکل‌دهی و تحقق آن، سهم و نقش مؤثری ندارند و از این‌رو، از جنبه سخت‌افزاری، نظام‌های سکولار بر مسلمانان برتری فنی دارند.

ثانیاً، جهانی شدن به دلیل مشخص نبودن مبانی و عوامل پیش‌برنده آن و همچنین به دلیل نامشخص بودن اهداف و ماهیت ساختار شکنانه آن، نمی‌تواند مورد تأیید فرهنگ اسلام باشد، بلکه فقط از جنبه ابزاری آن، سایر فرهنگ‌ها و از جمله اسلام، می‌توانند از این فرصت و

زمینه برای انتقال پیام‌های فرهنگی و ارزش‌های خود بهره ببرند و از این نظر، می‌توان گفت: اسلام با بعد فنی و سخت‌افزاری جهانی شدن تضاد و مخالفتی ندارد، مگر اینکه ما معتقد به تفکیک‌ناپذیری فناوری از فرهنگ و ایدئولوژی حاکم بر غرب باشیم، که اثبات چنین ادعایی آسان به نظر نمی‌رسد. اما در هر صورت، در این نکته تردیدی نیست که اسلام با جنبه‌های نرم‌افزاری و محتویات فرهنگی و پیامدهای سیاسی و اقتصادی غرب (جهانی شدن بر مبنای مبنای و الگوهای غرب) به صورت اجتناب‌ناپذیر، دچار چالش و رویارویی خواهد شد.

ثالثاً، واکنش‌های منفی فرهنگ‌ها و ادیان گوناگون، بخصوص جوامع اسلامی، در برابر جهانی شدن و رشد و شکل‌گیری هویت‌های دینی و اسلامی، حکایت از ناسازگاری و تعارض با فرایند جهانی شدن دارد؛ به این معنا که بیشتر فرهنگ‌های بومی و دینی در برابر گسترش فرهنگ مادی‌گرایانه و سکولاریستی و ارزش‌های منحط غربی واکنش منفی نشان می‌دهند. یکی از علل تقویت و انسجام‌بنیادگرایی اسلامی در عصر کنونی، همین مسئله است که مسلمانان در پی احساس خطر حذف، بر حفظ هویت اسلامی خود پافشاری می‌کنند و به باز تولید خود می‌پردازند.

۲. یکی دیگر از وجوهی که منجر به چالش اسلام با جهانی شدن می‌شود این است که آموزه‌های اعتقادی و ارزش‌های دینی و معیارهای اخلاقی اسلام مطلق و ثابت و تعطیل‌ناپذیرند، در حالی فرایند جهانی شدن کنونی مبتنی بر هیچ‌یک از این ارزش‌های قدسی و الهی نیست و اگر نمی‌کننده این ارزش‌ها نباشد، دست‌کم پذیرای آنها هم نیست. از این‌رو، ارزش‌های اصیل دینی با نسبیست‌گرایی و تکثرگرایی و تأثیرپذیری فرهنگ‌های بیگانه و الحادی تعارض قطعی دارد. ارنست گلنر می‌گوید:

بنابراین، با توجه به ویژگی‌های ذاتی اسلام و آموزه‌ها و فلسفه و رسالت این دین، می‌توان گفت: جهانی‌شدن اسلام ماهیتاً متفاوت با جهانی‌شدن کنونی است. اما این تغایر و تمایز دلیل بر تضاد لاینحل و نفی متقابل این دو فرایند نیست؛ زیرا به نظر می‌رسد جهانی‌شدن یک امکان و فرصت و زمینه است و خود ذاتاً حامل ایدئولوژی و پیام ضدعقلانی و ضددینی نیست و نمی‌توان آن را مانند «جهانی‌سازی» حامل فرهنگ غرب و معطوف به اراده قدرت سیاسی، که هدف آن نفی سایر فرهنگ‌هاست، دانست. همچنان‌که اشاره شد، جهانی‌شدن حاصل پیشرفت‌های علمی و فنی تاریخی و طبیعی همه بشریت است و اساساً در ذات خود، به گونه‌ای است که در صید و کنترل هیچ فرهنگ و قدرتی در نمی‌آید و صرفاً امکان و ابزاری است که می‌تواند حامل همه پیام‌ها و فرهنگ‌ها باشد و - به اصطلاح - «ظرف بی‌مظروف» است. بدین‌روی، عاملی مهم برای تبادل و رقابت و انتقال همه فرهنگ‌هاست و هر فرهنگی بنا بر قابلیت و ظرفیت ذاتی و نرم‌افزاری و سخت‌افزاری خود، می‌تواند از آن بهره بگیرد.

برخی از اندیشمندان اسلامی، همچون محمد قطب معتقدند: «جهانی‌شدن نه تنها موجب تضعیف و طرد دین نخواهد بود، بلکه موجب تقویت و انتشار دین و بیداری اسلامی در تمام نقاط زمین خواهد بود.»^(۵۲)

چالش‌های فراروی جهان اسلام

در عصر حاضر، اسلام در مواجهه با امواج گوناگون فرهنگ‌ها و تحولات جهانی، با مسائل و چالش‌های گوناگونی مواجه شده است. اندیشمندان جهان اسلام باید برای این مسائل چاره‌ای بیندیشند و آمادگی رویارویی با تحولات آینده، به ویژه پیامدهای جهانی‌شدن را کسب

میان این ادعا که آموزه‌های غرب در فرایند جهانی‌شدن، عالمگیر و جهانی می‌شود، با آموزه‌های اسلامی و ناسازگاری وجود دارد و این ناسازگاری موجب می‌شود که هر دو به نفی یکدیگر پردازند و بنیادگرایی اسلامی در پی احساس خطر حذف هویت اسلامی، به بازتولید خود می‌پردازد.^(۵۳)

همچنان‌که اشاره شد، تعارض فرهنگ اسلام در مقابل جهانی‌شدن فرهنگ‌های موجود، به ویژه فرهنگ غرب، قطعی و اجتناب‌ناپذیر است. مسئله مهم و قابل توجه در این زمینه، آن است که در چنین رقابتی، اگر محور این رقابت و چالش را بنیان‌های فرهنگی - نه فناوریانه و ابزاری - بدانیم، قطعاً فرهنگ اسلام فرهنگ غالب خواهد بود؛ زیرا اسلام یک دین جامع و کامل و عقلانی و منطبق فطرت انسانی است و تعالیم آن صبغه جهانی دارد و مخاطب آن همه انسان‌هاست. هدف این دین توحیدی، هدایت انسان‌ها به سوی بندگی خدا؛ نجات از بندگی طاغوت‌ها و رهایی از استبداد و جهل؛ و بسط عدالت و تأمین کرامت انسانی؛ دعوت به عقلانیت، عدالت، صلح و تفاهم، برابری و برادری؛ عقل‌گرایی و علم‌گرایی؛ و ارزش‌های متعالی اخلاقی است و علم و فناوری و صنعت و اقتصاد را در خدمت همه بشریت قرار می‌دهد و همین آموزه‌ها زمینه‌های مقبولیت جهانی برای اسلام ایجاد کرده، پویایی و تداوم این مذهب را تضمین خواهند کرد. از سوی دیگر نیز باید به این واقعیت توجه داشت که تمدن غرب از جنبه‌های معرفتی و مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی و معنوی و اجتماعی در درون خود، با بحران‌ها و مشکلات گوناگونی روبه‌روست، تا برسد به غلبه بر همه فرهنگ‌ها و اداره همه جهان. از این نظر نیز قدرت مقابله و رویارویی با مبانی قوی و قویم دین اسلام را نخواهد داشت.

ملت‌ها پیش قدم‌تر است، این مسئله دلیل نمی‌شود که ابزار جهانی شدن توسط سایر افراد بشری در فرایند تحوّل و پیشرفت علمی قابل دست‌یابی نبوده، بلکه بشریت از دیرزمان و در ادوار گوناگون، در پی تحقق این آرمان دیرینه خود بوده است و این امکان در عصر جدید، محقق شده است.

چند معضل و چالش فرهنگی دیگر نیز در عصر کنونی فراوری جهان اسلام وجود دارند که نیازمند چاره‌اندیشی اساسی و راهبردی از سوی اندیشمندان مسلمان هستند. این چالش‌ها عبارتند از:

۱. ابهام و اختلاف در مواجهه با فرایند جهانی شدن ماهیت و تبعات و پیامدهای مثبت و منفی پدیده جهانی شدن هنوز به درستی آشکار نگشته است و از این رو، با وجود تحقیقات و نظریه‌پردازی‌های گوناگونی که درباره آن وجود دارد، این پدیده همچنان ماهیت خود را در حاله‌ای از ابهام‌ها و ایده‌پردازی‌ها پنهان کرده است. اما به هر حال، به باور بسیاری از اندیشمندان، جهانی شدن یک امکان و فرصت عام برای همه فرهنگ‌هاست، و جهان اسلام نیز می‌تواند از این فرصت به نفع خود، برای جهانی کردن آموزه‌ها و ارزش‌های انسانی خود استفاده کند.

۲. مسئله جامعه مصنوعی (جهان مجازی)

یکی از واقعیت‌های جهان نوین، گسترش پدیده مجازی‌سازی^(۵۶) است. یکی از ویژگی‌ها و وجوه دنیای جدید، شکل‌گیری فضاهاى مجازی و واقعیت‌های مجازی است. در این فضا، تصورات خیالی جایگزین واقعیت‌های طبیعی می‌گردند و در فضای ذهن و روان آدمیان، بین واقعیت اصیل و مجازی نوعی ابهام و

کنند. بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران مسلمان بر این باورند که مدرنیته با ورود اجتناب‌ناپذیر خود به دنیای اسلام، بسیاری از اندیشمندان مسلمان و دین‌ورزان را دچار دغدغه و موضع‌گیری‌های متفاوت کرد و اکنون با رخ نمودن پدیده جهانی شدن، به نظر می‌رسد گستره این‌گونه چالش‌ها افزایش یافته است. مسلمانان در چند دهه گذشته، احساس به چالش کشیده شدن توسط نوگرایی جدید را داشته و نسبت به علوم و فناوری‌های جدید نگرانند. از سوی دیگر، دلایل فراوانی نیز وجود دارند که نشان‌دهنده تأیید و پذیرش علوم و فناوری‌های جدید به طور فزاینده توسط نخبگان مسلمان هستند. امروز مسلمانان بیش از هر زمان دیگری نیاز دارند که از پیشرفت‌های علمی دنیا و فرهنگ و تمدن جهانی آگاه باشند و نکته‌های مثبت آن را کسب کنند. ولی در این زمینه، نباید مرعوب غرب شوند و از توانایی‌ها و قابلیت‌های دین اسلام غفلت ورزند.^(۵۵)

یکی از مسائل مهم در زمینه چگونگی مواجهه مسلمانان با غرب، مسئله اخذ فناوری از غرب است. در این خصوص، کشمکش‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی بین اندیشمندان اسلامی وجود دارد. برخی با طرح این مسئله، که بین فناوری و ایدئولوژی غرب پیوندی ماهوی و ناگسستی برقرار است، نگاهی افراطی به موضوع دارند که نتیجه‌اش عقب‌ماندگی بیشتر جهان اسلام خواهد بود. چنین ادعایی نه معقول است و نه به نفع امت اسلامی و نه راهی اساسی برای برون‌رفت جهان اسلام از عقب‌ماندگی علمی و فنی. علاوه بر این، این انسان است که فرهنگ‌ساز است نه ابزار و فناوری. ثانیاً، علم و فناوری نمی‌تواند در انحصار هیچ فرد و قدرتی باشد، و اگر امروزه غرب به دلایل خاص خود، در دست‌یابی به علوم جدید و فناوری نوین، از جمله سخت‌افزارهای جهانی‌سازی، از دیگر

۴. چالش بر سر هویت دینی امت اسلامی

مسلمانان در عصر جهانی شدن، با مسئله حفظ هویت اصیل فرهنگی و تمدنی خود مواجهند؛ از یک سو، وظیفه دارند به حفظ و احیای سنت‌های اصیل اسلامی و تأسیس نهادها و نظام‌های حقوقی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود بپردازند و از سوی دیگر، با ضرورت انطباق با شرایط به سرعت متحول و متجدد عصر مدرنیسم و استفاده از ابزارها و نهادهای نوین فناورانه جهانی روبه‌رو خواهند بود و از این رو، در چنین شرایطی همواره باید آمادگی مقابله با امواج فرهنگ‌های مختلف را داشته باشند.

۵. برخورد یا گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های جهانی شدن یک فرهنگ، «عقلانی بودن» آن و توانایی پاسخ گفتن به نیازهای اساسی بشر است. از جمله پیش‌شرط‌ها و قابلیت‌های ذاتی یک فرهنگ برای جهانی شدن و بسط در بین سایر ملت‌ها و فرهنگ‌ها بهره‌مند بودن از آموزه‌ها و ایده‌های جهانی و فرازمانی و فرامکانی و فرانژادی است. آموزه‌هایی نظیر عقلانیت و عدالت‌گرایی و اصل برابری، اعتقاد به کرامت انسان، الغای تبعیض نژادی و اجتماعی، توجه به ارزش‌های اخلاقی، داشتن الگوی‌های کامل تربیتی و جامع‌نگری به ابعاد و شئون انسان از قابلیت‌ها و آموزه‌های جهانی اسلام به شمار می‌روند که در سایر ادیان و فرهنگ‌ها نظیر و بدیلی ندارند. از سوی دیگر، اسلام تنها فرهنگی است که برای همه شئون حیات بشر، راهبردها و راه‌حل‌های اساسی برای حل معضلات جهانی دارد. (۵۷)

استفراژی جهانی شدن اسلام

در پاسخ به این پرسش که موضع مسلمانان در قبال «جهانی شدن» چگونه باید باشد، چند راهبرد وجود دارد:

سردرگمی ایجاد می‌شود. رسانه‌های گروهی جدید با قدرت و سیطره فناوری‌های پیشرفته ارتباطی، افکار عمومی را به خود مشغول ساخته، با تولید مصنوعات فکری و ارزش‌های مبتذل و ایجاد انعطاف و انحطاط در افکار و آرمان‌ها، به صورت لجام‌گسیخته، فضای فرهنگی را در مسیر دلخواه سوق می‌دهند. در دنیای جدید، انسان هر قدر بیشتر در هجوم انواع اطلاعات قرار گرفته و دلهره و اضطراب، دنیای مجازی او را از واقعیت‌ها دور کرده است. پیدایش رسانه‌های الکترونیکی ما را با رویدادها و کنش‌ها و قیافه‌های مصنوعی و ارتباطات مصنوعی درگیر ساخته است. قرار گرفتن انسان‌ها در محیط‌های فرهنگی و اطلاعاتی جهانی شده، که مرزهای پنهان و آشکار آنها دگرگون شده، وابستگی‌های مکانی و اجتماعی و تاریخی و فرهنگی را از انسان‌ها سلب نموده است. در فضای مجازی‌سازی، بسیاری از کنترل‌ها و حصارها از بین می‌روند و قدرت کنترل و نظارت مراجع فرهنگی و دینی تضعیف می‌شود. این‌گونه تحولات به صورت اجتناب‌ناپذیر، فرهنگ دینی را با چالش‌های گوناگونی مواجه خواهند ساخت.

۳. ارتباطات و اطلاعات

مسلمانان می‌توانند از فناوری‌های ارتباطی موجود برای ارتقای ارتباطات و افزایش اطلاعات استفاده کنند. این نوع فناوری‌ها می‌توانند مرزهای جغرافیایی و فرهنگی بین مسلمانان را از بین ببرند؛ اما باید توجه داشت که این مسئله همانند شمشیری دولبه است که هم می‌تواند چالش‌هایی برای فرهنگ اسلامی ایجاد کند و آن را به رویارویی و رقابت با فرهنگ‌های دیگر بکشانند و هم فرصتی بی‌نظیر برای نشر تعالیم و آموزه‌های غنی اسلام در سطح جهان فراهم می‌آورد.

۱. راهبردهای فرهنگی

الف. بازگشت به اسلام اصیل: شکی نیست که چالش‌های پیش‌روی مسلمانان، هم داخلی است و هم خارجی. به لحاظ داخلی، کشورهای اسلامی از نظر سیاسی، دچار بی‌ثباتی و عدم الگوی سیاسی مناسب با فرهنگ اسلامی بوده و تحت سلطه حاکمان وابسته و غیرمسئول قرار دارند. از نظر اجتماعی و فرهنگی نیز دچار بی‌عدالتی، فقدان آزادی، فقر و نابرابری و ظلم و محدودیت در انتخاب سرنوشت خود و تحقق بخشیدن به قوانین شریعت اسلام‌اند.

خیزش‌ها و تلاش‌هایی جدی برای احیای میراث اسلامی در بیشتر جوامع اسلامی در حال شکل‌گیری است. جنبش مسلمانان و خیزش‌های اسلامی در سال‌های اخیر، با انگیزه احیای مجدد اسلام و دل‌بسنگی و عشق به قرآن و خاطره عظمت گذشته اسلام موجب شده است تا امت اسلامی در پی بازیابی هویت اصیل خود، در جهان پر آشوب امروز، در برابر هجوم انواع مکاتب به مبارزه برخیزد.

امروزه مسلمانان برای حفظ هویت فرهنگی خود، راهی جز پای‌بندی به ایمان و آموزه‌های عقلانی اسلام و بازسازی ساختارهای درونی خود و بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و فنی برای تقویت فرهنگ و انسجام درونی خود ندارند.

مسلمانان باید به این واقعیت باور داشته باشند که اسلام درس‌ها و راه‌حل‌های بسیاری برای بحران‌های فکری جهان دارد.

ایدئولوژی اسلام این شایستگی و توانایی را دارد که بر روی ویرانه‌های جوامع از هم‌پاشیده، جامعه‌ای نو، بنیاد نهد. اسلام قادر است در قلوب پیروان خود آنچنان هیجانی برپا کند که قاطعانه با

موانع و مشکلات، به نیروی ایمان و اتحاد، پیکار جویند. نقش ایمان تنها به خودسازی فرد مسلمان خاتمه نمی‌یابد و از نظرگاه اجتماعی، در جهان امروز، می‌توان دیانت اسلام را در هیأت ایدئولوژی فراگیر با دو ویژگی تهازل و بلندپروازی به جهانیان معرفی کرد. ایدئولوژی اسلام قادر است نظام تازه‌ای در روابط بین‌ملت‌ها بر اساس انسان‌گرایی و معنویت ایجاد کند.^(۵۸)

برنارد شو، نویسنده و محقق ایرلندی، می‌گوید:

من همیشه نسبت به دین محمد، به واسطه خاصیت زنده بودن شگفت‌آورش، نهایت احترام را داشته‌ام، نظر من، اسلام تنها مذهبی است که استعداد توافق و تسلط بر حالات گوناگون و صور متغیر زندگی و مواجهه با ترون مختلف را دارد. من چنین پیش‌بینی می‌کنم و از هم اکنون آثار آن پدیدار شده است که ایمان محمد مورد قبول اروپای فردا خواهد بود.^(۵۹)

روژه گارودی، فیلسوف تازه مسلمان فرانسوی، معتقد است: «قدرت برهان و روشنی حقایق اسلام و همسویی آن با فطرت، این آیین را به عنوان آیین جهانی بشر مطرح خواهد ساخت، به ویژه پس از شکست و ناکامی ایدئولوژی‌های سوسیالیستی و کاپیتالیستی و امثال آنها که مدعی ضمانت و سعادت بشر بودند.»^(۶۰)

ب. شناخت مسلمانان نسبت به وظیفه خود: وظیفه مسلمانان در قبال روند جهانی شدن، اولاً، کسب شناخت و آگاهی لازم از قابلیت‌های اسلام و محتوای تعالیم اصیل و ارزش‌های اصیل فرهنگ غنی اسلام و ظرفیت‌های جهانی این دین است.

ثانیاً، گرایش به سمت وحدت و تشکیل امت واحده اسلامی است. قرآن کریم به صراحت، مسلمانان را به وحدت فراخوانده و از تفرقه‌افکنی منع می‌نماید. امروز

مسلمانان و اندیشمندان و متفکران جهان اسلام باید از جنبه نظری، به بازتعریف و تحلیل خاستگاه و زمینه‌های تاریخی پیدایش تمدن غرب و جهانی شدن و عواقب و پیامدهای آن بپردازند و از جنبه عملی و کاربردی نیز با استفاده از ابزارهای فناوری رسانه‌ای، مانند ماهواره و اینترنت و انواع وسایل جدید ارتباطی، این امکانات را به عنوان یک فرصت و فضایی مناسب برای نشر عقاید و ارزش‌های اسلامی خود تلقی کنند و در فرایند تحولات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در هر نقطه‌ای از جهان نقش خود را ایفا نمایند.

رسالت دیگر اندیشمندان مسلمان در شرایط کنونی، یافتن راه‌حلی برای بحران‌های فکری و معنوی جهان حاضر و کوشش در جهت تسخیر روح معنویت و فکر تمدن غرب است و از این نظر، توجه به بنیادها و مبانی فلسفی و سیاسی و اقتصادی تمدن غرب و بحران‌های اجتماعی و فرهنگی و دینی عمیق عصر حاضر، که منجر به بروز و ظهور مکاتب الحادی و لادری‌گری و صدها مکتب پوچ و سرگرم‌کننده و خلاءهای فکری و اعتقادی در غرب شده، حایز اهمیت است. بدین‌روی، اندیشمندان اسلامی باید بکوشند برای نیازهای عقلانی، فطری، معنوی بشر امروز پاسخ اقناع‌کننده ارائه نمایند و این خود، امتیازی بزرگ برای اسلام و اندیشمندان اسلامی در جهان امروز است.

۲. راهبردهای علمی و فنی

الف. توجه به اهمیت علم و عقل‌گرایی: اسلام بر اهمیت عنصر آگاهی و عقلانیت، توصیه و تأکید بسیار نموده است، به گونه‌ای که مفهوم «علم» و مشتقات آن قریب ۸۸۰ بار در قرآن آمده است. علاوه بر این، به صراحت، در متون روایی، واجب بودن کسب علم برای هر مسلمانی مورد تأکید قرار گرفته است. پیامبر ﷺ با این فرمایش

یکی از مهم‌ترین ضعف‌های مسلمانان نداشتن وحدت در زمینه‌های فکری فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و نظامی است. وحدت اسلامی و خودآنگایی مسلمانان و کاهش وابستگی به قدرت‌های بیگانه در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و حمایت از حقوق ملت‌های مسلمان در صحنه‌های بین‌المللی یکی از وظایف مهم ملت‌ها و دولت‌های اسلامی است. جهان اسلام ضمن مرزبندی هویت خود با فرهنگ و تمدن بیگانه، باید درصدد ساختن هویتی یکدست و منسجم برای پیروان این مکتب در قالب «امت» واحد باشد؛ زیرا یکی از عوامل مهم عزت و اقتدار مسلمانان توجه به همین اصل استراتژیک است. استعمارگران با تقسیم کشورهای اسلامی به دولت‌های کوچک، پاره پاره کردن مرزهای جغرافیایی جوامع اسلامی و ایجاد انواع مرزبندی‌های سیاسی و فرهنگی، امت اسلامی را دچار تشقت و تفرقه‌های داخلی نموده‌اند. چ. شناخت تمدن غرب: خطیرترین وظیفه مسلمانان در قبال روند جهانی شدن، مقابله با مفروضات و مبانی فرهنگ غرب است، نه نفی دستاوردهای علمی غرب. هر روز که می‌گذرد، مظاهر فرهنگ غرب در برابر فرهنگ اسلامی، که مبتنی بر تکامل معنوی و تعالی روحی است، نفوذ خود را از دست می‌دهد. اگرچه غرب با پیشرفت‌های صنعتی و پژوهش‌های علمی خود، همچنان جاذبه خود را در بین همه ملت‌ها دارد، ولی با این همه، این جاذبه از دل‌بستگی مسلمانان به معنویت اسلام و ایمان به خدا، نکاسته و امت اسلامی را به تقویت بنیان‌های تمدن اسلامی و الهام از تجربه‌های تاریخی صدر اسلام دل‌گرم ساخته است. مسلمانان این واقعیت را پذیرفته‌اند که در شرایط جهان امروز، اسلام در صورتی می‌تواند نقش راستین خود را ایفا کند که ملت‌های مسلمان به موازات ایمان مذهبی و ارزش‌های اخلاقی، به ابزارهای صنعتی و علمی مجهز باشند.

برنامه‌هایی را که با الگوهای اجتماعی و فرهنگی جوامع مسلمان سازگار است، پخش کنند. در شرایط کنونی، شرکت‌های چند ملیتی با به کارگیری رسانه‌های جمعی گوناگون و شبکه‌های متمرکز انباشت اطلاعات و تسلط بر شاهراه‌های ارتباطی همچون اینترنت و ماهواره و دیگر رسانه‌های پیشرفته، برنامه‌های فرهنگی و اهداف تبلیغی خود را به پیش می‌برند و تهاجمی گسترده به فرهنگ اسلامی آغاز کرده‌اند. افزایش استیلای فرهنگی و آموزشی غرب بر کشورهای در حال توسعه و به ویژه بر کشورهای اسلامی، خطری جدی فراروی مسلمانان است. از این رو، مسلمانان باید به نحو مطلوب از فناوری اطلاعاتی، حداکثر استفاده را ببرند. استفاده از فناوری‌های ارتباطی به صورت سازمان‌یافته و منسجم، در جهت حفظ ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی و تبلیغ دین و حفظ هویت دینی و تقویت ارتباطات درونی گروه‌های فرهنگی اسلامی در سرتاسر جهان و تأثیرگذاری بر فرهنگ جهانی از جمله اقدامات بایسته و مهم است.

علم ماهانیر محمد، نخست‌وزیر سابق مالزی، در این زمینه هشدار می‌دهد:

طرف‌داران جهانی شدن به شدت سرگرم آماده‌سازی خود برای سوء استفاده از بازار جهان بدون مرز هستند، ولی مسلمانان باید با کوششی هماهنگ، بر نوایند جهانی شدن تأثیر بگذارند و آن را قانونمند سازند. مسلمانان باید هوشیارانه برخی از ابزارهای کلیدی جهانی شدن را در دست داشته باشند و باید جهانی شدن را درک کنند. (۶۴)

وی همچنین معتقد است: «نقش دین اسلام در عصر جهانی شدن، به این امر بستگی دارد که در مقابل مسائل مهم جهانی، از قبیل صلح جهانی و عدالت و فرایند توسعه و رفاه عمومی انسان‌ها، اسلام چگونه نقش ایفای نماید.» (۶۵)

خود که «کسب دانش وظیفه هر زن و مرد مسلمان است» (۶۱) و «دانش بیاموزید، حتی اگر در چین باشد» (۶۲) ارزش کسب دانش را از نظر اسلام، بازشناسانده و به فراگیری آن سفارش نموده‌اند.

یکی از علل رشد علمی و فرهنگی مسلمانان همین بوده که در اخذ علوم و فنون و صنایع و هنرها تعصب نمی‌ورزیده‌اند و علم را در هر نقطه و در دست هر که یافته‌اند از آن بهره گرفته‌اند. استاد شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «اسلام با تعلیمات [خود]، مبنی بر جست‌وجوی علم و ترک تعصبات قومی و مذهبی و اعلام همزیستی با اهل کتاب، غل‌ها و زنجیرهایی که به تعبیر خود قرآن، به دست و پا و گردن مردم جهان آن روز بسته شده بود را پاره کرد و زمینه رشد یک تمدن عظیم و وسیع را فراهم آورد.» (۶۳)

یکی از این راهبردهای مهم و تأثیرگذار در عصر حاضر، توجه مجدد جهان اسلام به ارزش علم و پرورش اندیشمندان بزرگی همچون ابن‌سینا، خواجه نصیرالدین، رازی و خوارزمی و ... است تا بتوانند رهبری علمی بشریت را به دست بگیرند. بنابراین، جهان اسلام تنها زمانی می‌تواند اقتدار جهانی خود را به نمایش بگذارد که بار دیگر دانشمندان و متفکران بزرگی با چنان قابلیت و اعتبار جهانی در خود بپروراند.

بر اساس همین تعلیم اسلامی، مسلمانان باید تلاش کنند تا زمینه‌های انتقال دانش جهانی را به جوامع خویش تسهیل کنند. تحت این شرایط است که امت اسلامی می‌تواند به کمک علم و فناوری به توسعه پایدار و مطلوب و متناسب با فرهنگ خود دست یابد.

ب. شکستن تمرکز و انحصار قدرت‌های بزرگ بر فناوری‌های ارتباطی: این مسئله این امکان را به مسلمانان می‌دهد که وارد عمل شوند و توسط این فناوری‌های ارتباطی،

منطقه‌ای طراحی می‌کنند و به اجرا می‌گذارند تا چنین نهادهای انسجام‌بخشی شکل بگیرند. کشورهای غربی با فشار و تهدید و تحریم‌های اقتصادی و مالی، کشورهای اسلامی را از امضای توافق‌های منطقه‌ای و همکاری‌های یکدیگر منصرف می‌کنند تا مسلمانان از نظر سیاسی و اقتصادی و منابع و سلاح و غذا به کشورهای غربی وابسته باشند.

مسلمانان باید به این آگاهی برسند که جهانی‌سازی مانع توسعه بزرگی در راه استقلال آن است. بازار تجارت جهانی و سایر سازمان‌های وابسته به نظام‌های لیبرالیستی به نفع ما نیست و نتیجه‌ای جز وابستگی بیشتر به دنبال ندارد. بنابراین، جهان اسلام راهی جز تشکیل اتحادیه‌ی همه‌جانبه اسلامی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی و علمی ندارد.

۴. راهبردهای سیاسی

در بعد سیاسی، کشورهای اسلامی باید با استفاده از ظرفیت سازمان کنفرانس اسلامی، استقلال و همگرایی خود را به تناسب شرایط جدید تقویت و تحکیم کنند و جبهه‌ی واحدی در برابر تهاجم‌های غرب ایجاد نمایند. مسلمانان جهان باید هویت واحد فرهنگی و سیاسی و اجتماعی خود را در سطح جهان عینیت بخشند و امت واحد اسلامی را به معنای واقعی آن تشکیل دهند.

بنابراین، از لحاظ جهانی، مسلمانان به یک نظام منسجم و قوی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ارتباطی برای مقابله با فشارهای بین‌المللی و جهانی‌کننده نیاز دارند. وجود چنین نهادی به امت اسلامی این امکان را می‌دهد که بتواند به صورت مستقل و فعال در عرصه‌های سیاسی بین‌المللی و بازارهای جهانی تأثیرگذار باشد. بنابراین، مسلمانان چاره‌ای ندارند جز اینکه با تلاش دسته‌جمعی و تشکیل یک نهاد بین‌المللی همه‌جانبه، از فرهنگ و هویت و منافع خود دفاع کنند.

برنامه‌ریزی علمی برای توسعه پایدار و ایجاد شرایط سریع اصلاح و توسعه همه‌جانبه و تشکیل نهادهای مستقل بین‌المللی و به‌کارگیری منابع همه کشورهای اسلامی برای رشد و توسعه همه‌جانبه امت اسلامی از جمله پیش‌شرط‌ها و لوازم نقش‌آفرینی امت اسلام در عصر حاضر است.

۳. راهبردهای اقتصادی

مسلمانان باید تدابیری بیندیشند که از نظر اقتصادی، به‌الگویی از توسعه بومی و اسلامی دست یابند و از تابعیت و تأثیرپذیری سلطه اقتصادی غرب رها شوند. توسعه‌ای که هم از نظر مبانی نظری و هم از نظر اهداف و روش‌ها مبتنی بر آموزه‌های اسلامی باشد و بر محور خداواری و عدالت و کرامت انسانی به پیش برود. مسلمانان نمی‌توانند داعیه جهان‌شمولی فرهنگ خود را داشته باشند، ولی از نظر اقتصادی و سیاسی، تابع الگوی سرمایه‌داری باشند. مسلمانان باید با ایجاد شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاری مشترک در زمینه‌های اقتصادی، علمی تحقیقاتی، زمینه‌های تحکیم و انسجام روابط مسلمانان و کاهش وابستگی آنها به غرب را فراهم کرده، زمینه‌های رشد و عزت آنها را تقویت کنند. از نظر اقتصادی، مسلمانان باید راهبردهای سیاسی و اقتصادی جهانی را در پیش گیرند و با امضای توافق‌نامه‌های مشترک، یک نهاد یکپارچه اقتصادی و مالی بین‌المللی راه‌اندازی کنند. بسیاری از کشورهای اسلامی به اشتباه بر این باورند که منافعشان از طریق ارتقای روابط با غرب، به دلیل تولیدات، فناوری، آموزش، بازار و امنیت غربی بهتر تأمین می‌شود، در حالی که همواره حکومت‌های غربی فرهنگ اصیل اسلامی را چالشی بزرگ بر سر راه خود می‌بینند و از این‌رو، نقشه‌های شومی برای بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اسلامی و ایجاد جنگ‌های داخلی و

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب پیش گفته می‌توان نتایج ذیل را مورد توجه قرار داد:

۱. از نظر مفهوم شناختی، «جهانی‌شدن» دارای ماهیتی متفاوت و متمایز از جهانی‌سازی بوده و از نظر عینی نیز هر کدام لوازم و مقتضیات متفاوتی نیز دارند. (این نکته قابل تأمل و توجه جدی است).

۲. «جهانی‌شدن» یک فرایند طبیعی است که در جهت تحوّل همه‌جانبه علمی، صنعتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پدید آمده است. ولی جهانی‌سازی یک طرح غربی و هدایت شده در جهت گسترش سلطه استعماری غرب بر تمام جهان است و امری کاملاً زیانبار برای همه ملت‌ها و فرهنگ‌ها و ادیان است و از این‌رو، جهانی‌شدن به عنوان یک فرایند علمی و یک فضای باز، می‌تواند به عنوان یک امکان و فرصت مورد توجه واقع شود و در خدمت تبلیغ و بسط و رقابت همه فرهنگ‌ها، از جمله اسلام به شمار آید. به همین دلیل، به همان میزان که می‌تواند در خدمت فرهنگ غرب باشد، می‌تواند در خدمت اسلام و سایر فرهنگ‌ها باشد. مسئله مهم در این زمینه، میزان و نوع برخورداری و استفاده از این امکانات و ابزارهای صنعتی جدید برای انتقال پیام‌ها و تولیدات نرم‌افزاری است که باید دید به چه هدفی و برای جهانی کردن کدام فرهنگ مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۳. جهانی‌شدن اسلام به عنوان یک فرهنگ جامع عقلانی و فطری بر اساس ادله و شواهد قرآنی و روایی و تاریخی به صورت قطعی، مبرهن و قابل اثبات است. جهانی‌شدن اسلام ویژگی‌ها و تمایزهای اساسی با روند کنونی جهانی‌شدن و جهانی‌سازی دارد. اسلام - فی ذاته - یک نظام جامع و جهان‌شمول است و جهان‌شمولی و جهان‌نگری اسلام آموزه‌هایی همچون یکتاپرستی، نفی

ظلم و تبعیض، عدالت‌گرایی و عقلانیت، صلح‌جویی و حقوق بشر، کرامت انسانی، مسئولیت فردی و اجتماعی انسان، تفاهم و برابری و برادری و ارج‌گزاری به علم را ترویج و محقق می‌سازد. همین اصول و ارزش‌های اصیل عقلانی و معنوی زمینه‌های مقبولیت جهانی برای اسلام ایجاد و پویایی و تداوم این مذهب را تضمین خواهد کرد. از این‌رو، جهانی‌شدن اسلام از جنبه‌های گوناگون مورد اثبات و تأکید است. همچنین این مطلب نیز مورد توجه و تأکید است که بین جهانی‌شدن اسلام و انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام ارتباطی وثیق برقرار است و تمام شرایط و ابزار جهانی‌شدن اسلام در آن دوره خاص مهیا خواهد شد که به این نکته مهم به صراحت در نصوص دینی و احادیث اشاره شده است.

۴. بر فرض چالش اسلام و فرایند جهانی‌شدن و مواجهه اسلام با سایر فرهنگ‌ها، اسلام برتری خود را در زمینه‌های مبانی معرفتی، علمی و فرهنگی حفظ خواهد کرد؛ اما پیروزی و غلبه همه‌جانبه اسلام و جهان‌گستری این دین مشروط به بهره‌مندی از همه قابلیت‌های نرم‌افزاری و عوامل فنی و سخت‌افزاری است. و حق این است که از نظر شرط فاعلی، اراده خداوند به جهانی‌شدن این دین تعلق گرفته است.

همچنان‌که امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «لَيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» ^(۶۶) می‌فرمایند: «انّ ذلك يكون عند خروج المهدي (ع) من آل محمد (ص)، فلا يبقى احد الا اقرّاً بمحمد» ^(۶۷)

اما شرط قابلی آن به عوامل و زمینه‌های گوناگونی بستگی دارد که مهم‌ترین آنها، رشد آگاهی مردم و تبیین و نشر تعالیم اسلام توسط پیروان اسلام اصیل و ناب محمدی است.

۱۸. رسانه ۹، ص ۶۸.
- ۲۶- اعراف: ۱۵۸.
- ۲۷- قلم: ۵۲.
- ۲۸- روم: ۳۰.
- ۲۹- زمر: ۹.
- ۳۰- انعام: ۳۸.
- ۳۱- نحل: ۸۹.
- ۳۲- روم: ۷.
- ۳۳- عنکبوت: ۴۷.
- ۳۴- آل عمران: ۶۳ / اصل عدالت خواهی و عدالت گرایي، ﴿اعْتَدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾ (مائدة: ۸).
- ۳۵- آل عمران: ۶۴.
- ۳۶- نساء: ۱۴۱.
- ۳۷- اعراف: ۵۶.
- ۳۸- نساء: ۱۳۵.
- ۳۹- آل عمران: ۱۹.
- ۴۰- آل عمران: ۸۵.
- ۴۱- اعراف: ۱۵۸.
- ۴۲- انبیاء: ۱۰۷.
- ۴۳- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۶۰.
- ۴۴- سبأ: ۲۸.
- ۴۵- سیدهاشم حسینی بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۵۲.
- ۴۶- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۳۷۴.
- ۴۷- همان، ج ۲، ص ۲۸۰.
- ۴۸- محمدرضا حکیمی و دیگران، الحیاة، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۴۷.
- ۴۹- نورا: ۵۵.
- ۵۰- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۱۵۲.
- ۵۱- مارسل بوازر، اسلام در جهان امروز، ۱۳۶۱، ص ۲۵۲.
- ۵۲- محمدعلی، تسخیری و همکاران، «جهانشمولی اسلام و جهانی سازی»، مجموعه مقالات شانزدهمین کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۶.
- ۵۳- سید عبدالقیوم سجادی، «اسلام و جهانی شدن»، کتاب نقد ۲۴، ص ۳۱۴ به نقل از:
- Erneast Giner, *Postmodernism, Reson and Religians*.
- ۵۴- سیدمحمد قطب، مسلمانان و مسأله جهانی شدن، ۱۳۸۲، ص ۱۲.
- ۵۵- مهدی نکرنی سامانی، دین و فرایند جهانی شدن، ۱۳۷۶، ص ۲۵۵.
56. Virtualization.
- ۵۷- سیدهادی خسروشاهی، اسلام دین آینده جهان، ۱۳۵۱، ص ۶۷-۲۲.
- ۵۸- مارسل بوازر، اسلام در جهان امروز، ۱۳۶۱، ص ۱۲۵.
- ۵۹- برنارد شاور، رساله خداپرستی و افکار روز، بی تا، ص ۲۷ و ۴۸.
- پی نوشت ها
- ۲۰۱- علی اصغر کاظمی، جهانی شدن فرهنگ و سیاست، ۱۳۷۹، ص ۱۶ / ص ۱۷.
- ۳- امانوئل والرشتاین، «سیاست و فرهنگ در نظام مستحول جهانی»، مطالعات راهبردی ۱۳، ص ۲۷۰.
- ۴- کیت نش، جامعه شناسی سیاسی معاصر، ۱۳۸۰، ص ۸۲.
- ۵- چنگیز بهلولان، فرهنگ شناسی و گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، ۱۳۸۰، ص ۴۲۳.
- ۶- همان، ص ۴۷۹.
- ۷- کیت نش، جامعه شناسی معاصر، ۱۳۸۰، ص ۱۳-۷.
- ۸- مارک ویلیامز، «بازاندیشی در مفهوم حاکمیت»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۱-۱۲، ص ۱۳۷.
9. David Held, *A Globalizing World*, 2000, p. 140.
- ۱۰- دیوید هلد و آنتونی مک گرو، جهانی شدن و مخالفان آن، ۱۳۸۲، ص ۹۶-۱۲۴.
- ۱۱- امانوئل والرشتاین، سیاست و فرهنگ در نظام مستحول جهانی، ۱۳۷۷، ص ۲۷۸.
- ۱۲- مالکوم وانرز، جهانی شدن، ۱۳۷۹، ص ۱۰-۱۲.
13. D. Harvey, *The Conditlon of Postmodernity: an Enquiry In to the Conditlons of Cultural Chang*, 1989, p. 240.
- ۱۴- امانوئل کاستلر، عصر اطلاعات، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۳۰.
- ۱۵- یان آرت شولت، نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، ۱۳۸۲، ص ۷.
16. R. Robertson, *Globalization: Social Theory and Global Culture*, 1992, p. 25-44.
- ۱۷- علی اصغر داودی، «جهانی شدن و چالش های حاکمیت های ملی»، کتاب نقد ۲۴ و ۲۵، ص ۲۸.
18. Fukuyama Francis, *The End History The Last Man*. 1992, p. 4.
- ۱۹- قدیر نصیری، «چیستی جهانی شدن، تأملی نظری در سمت و سرنوشت آهنگ جهانی»، مطالعات راهبردی ۳، ص ۲۸۵-۲۸۶.
- ۲۰- یان، آرت. شولت، نگاهی موشکافانه به پدیده جهانی شدن، ۱۳۸۲، ص ۱۷۲.
- ۲۱- یحیی گل محمدی، «جهانی شدن و فرهنگ»، مجموعه مقالات فرهنگ در عصر جهانی شدن؛ چالش ها و فرصت ها، ۱۳۸۰، ص ۸۹-۸۷.
22. Westernizel.
- ۲۳- علی عادل عبدالحمید، «جهانی شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۱، ص ۱۶۳-۱۷۸.
- ۲۴- یورگن هابرماس، جهانی شدن و آینده دموکراسی، ۱۳۸۰، ص ۸۷.
- ۲۵- کاظم معتمدنژاد، «مطالعات انتقادی در وسایل ارتباط جمعی»،

۶۰. مصاحبه خبرنگار سوئدی با روزه‌گارودی، به نقل از: میراحمدرضا حاجتی، عصر امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲، ص ۲۸۸.
۶۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۸۰.
۶۲. همان، ج ۱۰۵، ص ۱۵.
۶۳. مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ۱۳۶۲، ص ۱۴۵-۱۵۲.
- ۶۴ و ۶۵. برگرفته از: سخنرانی ماهانیر محمد، نخست‌وزیر سابق مالزی در بیست و هفتمین اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، سایت اندیشکده صنعت و فناوری: www.iranasef.org.
۶۶. توبه: ۳۳.
۶۷. فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۳، ص ۲۵.
- منابع
- برگرفته از: سخنرانی ماهانیر محمد، نخست‌وزیر سابق مالزی در بیست اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، www.iranasef.org.
- بهلوان، چنگیز، فرهنگ‌شناسی و گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰.
- تسخیری، محمدعلی و همکاران، «جهان‌شمولی اسلام و جهانی‌سازی»، مجموعه مقالات شانزدهمین کنفرانس وحدت اسلامی، تهران، مجمع جهانی تفریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۲.
- حسینی بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیرالقرآن، قم، دارالتفسیر، ۱۴۱۷.
- حکیمی، محمدرضا و دیگران، الحیة، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
- خسروشاهی، سیدهادی، اسلام دین آینده جهان، تهران، نسل جوان، ۱۳۵۱.
- داودی، علی‌اصغر، «جهانی‌شدن و چالش‌های حاکمیت‌های ملی»، کتاب نقد ۲۴ و ۲۵ (پاییز و زمستان ۱۳۸۱)، ص ۲۱۳-۲۲۸.
- شاو، برنارد، رساله خداپرستی و افکار روز، تهران، بی‌نا، بی‌تا.
- شولت، یان آرت، نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی‌شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- طبرسی، فضل‌بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۸.
- عادل عبدالحمید، علی، «جهانی‌شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم»، ترجمه سیداصغر قریشی، اطلاعات سیاسی اقتصادی ۱۱ و ۱۲ (مرداد و شهریور ۱۳۷۹)، ص ۱۶۱-۱۷۸.
- عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، چاپخانه علمیه، تهران، ۱۳۸۰ ق.
- قطب، سیدمحمد، مسلمانان و مسأله جهانی‌شدن، ترجمه زاهد ویسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- کاستلز، امانوئل، عصر اطلاعات، ترجمه علی قلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰، ج ۱.
- کاظمی، علی‌اصغر، جهانی‌شدن فرهنگ و سیاست، تهران، قدس، ۱۳۷۹.
- کیت نش، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمدتقی دلفروزی، تهران، کوبر، ۱۳۸۰، ج دوم.
- گلمحمدی، حبیبی، «جهانی‌شدن و فرهنگ»، مجموعه مقالات فرهنگ در عصر جهانی‌شدن، چالش‌ها و فرصت‌ها، گردآوری محمد توحید فام، تهران، بی‌نا، ۱۳۸۰.
- مارسل بوازر، اسلام در جهان امروز، ترجمه د. م. ی. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.
- مارک، ویلیامز، «بازاندیشی در مفهوم حاکمیت»، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۱-۱۲ (مرداد و شهریور ۱۳۷۹)، ص ۱۳۱-۱۴۲.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- مصاحبه خبرنگار سوئدی با روزه‌گاردی، به نقل از: احمدرضا حاجتی، عصر امام خمینی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
- معتمدزاد، کاظم، «مطالعات انتقادی در وسائل ارتباط جمعی»، رسانه ۹ (بهار ۱۳۷۱)، ص ۲۲۳.
- نصیری، قدیر، «جیستی جهانی‌شدن، تأملی نظری در سمت و سرنوشت آهنگ جهانی»، مطالعات راهبردی ۳ (پاییز ۱۳۸۰)، ۲۸۱-۲۹۲.
- نکوئی سامانی، مهدی، دین و فرایند جهانی‌شدن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۶.
- واترز، مالکوم، جهانی‌شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹.
- والرشتاین، امانوئل، سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی، ترجمه پیروز ایزدی، تهران، نی، ۱۳۷۷.
- هابرماس، یورگن، جهانی‌شدن و آینده دموکراسی، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
- هلد، دیوید و آنتونی مک گرو، جهانی‌شدن و مخالفان آن، ترجمه عرفان نابی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۲.
- Fukuyama, Francis, *The End of History and The last Man*, New York, Free Press, 1992.
- Harvey, D., *The Condition of Postmodernity: an Enquiry in to the Conditions of Cultural Chang*, Oxford, Blackwell, 1989.
- Held, David, *A Globalizing World?*, London, London, 2000.
- Robertson, R., *Globalization: Social Theory and Global Culture*, London, sage, 1992.